

درس «فرهنگ و هنر» اول متوسطه آغاز تحول در آموزش هنر

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

اشاره

کتاب «فرهنگ و هنر» سال اول متوسطه، حاصل تلاش گروهی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت هنری است که در مهرماه سال ۱۳۹۲ در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. این کتاب جای کتاب آموزش هنر سال اول راهنمایی را گرفت و با این کار، درخواست شمار زیادی از دبیران هنر برای ایجاد تحول در کتاب درسی هنر عملی شد. برای آگاهی از نگاه مؤلفان، طی گفت‌وگوی صمیمانه‌ای و ویژگی‌های بخش‌هایی از کتاب بررسی و براساس رویکرد به کار گرفته شده در کتاب، توصیه‌هایی نیز مطرح شدند. با هم مشروح گفت‌وگوهای این میزگرد را می‌خوانیم.

عنوان‌های آن‌ها عبارت‌اند از: هنرهای تجسمی، هنر خوش‌نویسی، هنرهای سنتی، هنرهای آوایی و هنرهای نمایشی. خانم دکتر فریبا شاپوریان، مسئولیت نگارش بخش هنرهای تجسمی، را با همکاری خانم‌ها دکتر اسفندیاری و زارعی داشتند، آقای رضا صفری مؤلف بخش خوش‌نویسی، آقای دکتر شریف‌زاده مسئولیت بخش هنرهای سنتی را داشته‌اند، آرمان نوروزی بخش هنرهای آوایی و دکتر رحمت امینی نیز بخش هنرهای نمایشی را تألیف کرده‌اند.

تیموری: شما به‌عنوان هماهنگ‌کننده تألیف این اثر، لطفاً مزیت‌های این کتاب را از لحاظ محتوایی برای معلمان توضیح دهید. آیت‌اللهی: حوزه هنر به فرهنگ و هنر تبدیل شده است. کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم براساس اسناد بالادستی و سند تحول

تیموری: از آغاز دهه ۱۳۶۰، جزوات کوچک آموزش هنر به مدارس راهنمایی آمد و به تدریج کتاب هنر کامل شد. بالاخره بعد از ۲۵ سال این کتاب هم تغییر کرد و کتاب جدیدی با عنوان «فرهنگ و هنر» تألیف شد که گستره موضوعی آن تنوع بیشتری دارد و این اتفاق مهمی است. به‌رغم اینکه می‌توان انتقاداتی بر آن وارد دانست یا کاستی‌هایی دارد، ولی یک گام به جلوست. هدف ما از برگزاری این میزگرد، راهنمایی معلمان هنر برای تدریس بهتر این کتاب بوده است. قصد داریم معلمان هنر را از رویکردهای تألیف این کتاب آگاه سازیم. ضمن تشکر از مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم، در ابتدا از خانم آیت‌اللهی، در مورد تألیف این کتاب توضیحات اولیه را بفرمایید. آیت‌اللهی: این کتاب در پنج بخش تألیف شده است که



دوره ابتدایی، منظور از اثر هنری کار دستی، نقاشی و قصه و نمایش است که بعضی از این‌ها در دوره متوسطه نیز ادامه می‌یابند.

در کنار خلق اثر هنری می‌کوشیم بچه‌ها را با تاریخ و میراث فرهنگی کشورمان بیشتر آشنا کنیم. البته ما می‌دانیم باید به میراث فرهنگی دنیا هم توجه کنیم و به این موضوع در پایه دوم یا سوم دوره متوسطه اول خواهیم پرداخت. در پایه اول متوسطه بیشتر دانش‌آموزان را با تاریخ و میراث فرهنگی کشورمان آشنا می‌کنیم. منظور از نقد هنری در دوره ابتدایی این است که دانش‌آموز بتواند کار خودش را توصیف کند و بگوید چه احساسی دارد و کار دوستانش را توصیف کند. در دوره متوسطه برای نقد هنری، علاوه بر توصیف، شاخص‌هایی در نظر گرفته‌ایم.

در تألیف این کتاب ما مشخصاً از سه اصل برنامه درسی به این شرح استفاده کرده‌ایم: دانش‌آموز محوری؛ خلاقیت و انعطاف‌پذیری. برای اولین بار این کتاب با سه نوع محتوا تولید شده است: تجویزی (اجباری)، نیمه‌تجویزی (انتخابی) و غیرتجویزی (اختیاری). به‌طور مثال، در بخش تجسمی طراحی به‌عنوان مادر هنرها اجباری است اما نقاشی و عکاسی اختیاری هستند. قبلاً برنامه واحدی برای همه دانش‌آموزان اجرا می‌شد، ولی با این برنامه دانش‌آموز براساس نیاز، علاقه و شرایط مدرسه کار هنری خود را انتخاب می‌کند.

در کتاب فرهنگ و هنر در بخش هنرهای تجسمی، طراحی به‌عنوان هنر مادر اجباری است ولی بخش‌های عکاسی و نقاشی اختیاری هستند. بخش خوش‌نویسی اجباری است. خط نستعلیق و تحریری آموزش داده شده است اما معلمان با توجه به امکانات و شرایطشان آموزش یکی از این خط‌ها را انتخاب می‌کنند. در بخش هنرهای سنتی ما سه رشته را مطرح کرده‌ایم: اول طراحی سنتی که اجباری است، ولی گلیم‌بافی و سفال‌گری که اختیاری هستند. دو بخش هنرهای آوایی و نمایش در این کتاب اجباری است.

در مورد بخش تجویزی و نیمه‌تجویزی توضیحاتی دادم. بخش غیرتجویزی در کتاب با عنوان «تجربه‌های بیشتر» آمده است.

درس‌های کتاب با انتظارات عملکردی شروع می‌شوند.

یعنی دانش‌آموز باید بداند در پایان درس به چه

چیزهایی باید برسد. بعد از این قسمت «فکر

کنید» قرار گرفته است. زیر این عنوان

سؤالاتی مطرح می‌شوند که

دانش‌آموزان یا به‌صورت

فردی یا به‌صورت

گروهی به

آن‌ها

راهنمای «برنامه درسی ملی» نگاشته شده است. با توجه به رویکرد برنامه درسی ملی که «رویکرد فطرت‌گرایی» است، ما در این کتاب «رویکرد تربیت هنری» را انتخاب کرده‌ایم. از طریق این رویکرد یک محیط آزاد برای پرورش خلاقیت و حواس پنج‌گانه دانش‌آموزان و حس زیبایی‌شناختی آن‌ها ایجاد می‌شود. در یک جمله ساده، رویکرد تربیت هنری مانند تربیت بدنی است. همان‌طور که ما در تربیت بدنی نمی‌خواهیم قهرمان پرورش دهیم، بلکه می‌خواهیم انسانی سالم و قوی با سلامت جسمانی تربیت کنیم. براساس این رویکرد، ما نمی‌خواهیم متخصص هنر تربیت کنیم، بلکه می‌خواهیم بچه‌هایی خلاق که بتوانند زیبایی‌ها را ببینند و بشنوند، پرورش دهیم. در واقع، از طریق طبیعت که بخشی از خلقت پروردگار است، با خداوند که زیبای مطلق است، ارتباط پیدا کنند.

تربیت هنری پنج رکن دارد که عبارت‌اند از: ارتباط با طبیعت، زیبایی‌شناسی، خلق یک اثر هنری، توجه به تاریخ و میراث فرهنگی ایران و نقد هنری.

توضیح کوتاهی درباره برخی از این ارکان می‌دهم. خلق یک اثر هنری به این معنی است که دانش‌آموز بتواند بعد از اینکه با طبیعت ارتباط برقرار کرد و از آن الهام گرفت، یک اثر هنری تولید کند. در

دیگر در کلاس هنر

درس نمی‌دهیم،

بلکه یک سلسله

آگاهی‌های هنری و

قواعد را ارائه می‌کنیم

و برنامه‌های آزاد هنری

داریم که دانش‌آموز

می‌تواند انتخاب

کند. معلم نقش

هدایت‌کننده دارد

پاسخ می‌دهند. در بخش مهارتی، دانش‌آموز باید فعالیت خاص هنری آن بخش را انجام دهد. در پایان هر بخش «خودارزیابی» داریم و دانش‌آموز باید خودش را ارزیابی کند تا بفهمد به اهدافی که در ابتدای درس گفته شده، رسیده است یا خیر. بعد از خودارزیابی به «تجربه‌های بیشتر» می‌رسیم که بخش غیرتجویزی است. در این بخش معلم و دانش‌آموز در تعامل با هم براساس شرایط مدرسه تصمیم می‌گیرند که آیا به تجربه‌های بیشتری دست بزنند یا نه. برای مثال، در بخش خوش‌نویسی ممکن است دانش‌آموزی خارج از مدرسه به کلاس رفته باشد و سطح او بالاتر از سطح دانش‌آموزان دیگر باشد. در این صورت می‌تواند به تجربه‌های بیشتری بپردازد.

تیموری: آیا میزان ساعت درس هنر تغییر کرده است؟

آیت‌اللهی: در گذشته درس هنر در پایه‌های دوم و سوم راهنمایی یک ساعت و در پایه اول راهنمایی دو ساعت بود. اما این افتخار را داریم که هم‌زمان با تحولاتی که در آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد، ساعات آموزش هنر هم به دو ساعت رسیده است.

تیموری: پس اتفاق مهمی افتاده است. قبلاً مرتب مطرح می‌کردیم که یک ساعت برای پایه‌های دوم و سوم راهنمایی جواب‌گوی درس هنر نیست. حالا این یک ساعت به دو ساعت در هفته افزایش یافته است. در تدوین و تألیف کتاب هم تحولی انجام شده و کتاب آموزش هنر به فرهنگ و هنر تبدیل شده است. در مورد وجه تسمیه فرهنگ و هنر هم لطفاً توضیح بدهید.

آیت‌اللهی: بحث فرهنگ حوزه گسترده‌ای دارد؛ یعنی آداب و رسوم، سنت‌ها، زبان، ادبیات و تاریخ و میراث فرهنگی و هنری، برخی موضوع‌های دیگر را در برمی‌گیرد. ما در درجه اول باید راهنمای حوزه برنامه درسی را بنویسیم و در آنجا باید دقیق‌تر بگوییم که منظور ما از هنر و فرهنگ چیست. در کتاب راهنمای معلم که زیر چاپ است، ما توضیحاتی برای معلمان داده‌ایم. در دوره ابتدایی به معلمان گفته‌ایم، با توجه به آداب و رسوم محل زندگی‌شان به تدریس بپردازند. برای مثال، اگر می‌خواهند قصه بگویند، از قصه‌های بومی منطقه استفاده کنند. سعی کنیم دانش‌آموزان بیشتر آداب، رسوم و سنت‌های خودشان را فرابگیرند و از آثار فرهنگی و هنری خود بازدید کنند و آگاهی داشته باشند و بعد گسترده‌تر شود و به فرهنگ ملی هم توجه کنند. در واقع، هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی به فرهنگ توجه کرده‌ایم. در دوره متوسطه نیز توجه به تاریخ و میراث فرهنگی و هنری در قالب توجه به آثار هنری در رشته‌های مختلف هنری ادامه دارد.

برای مثال، در خوش‌نویسی، ابتدا انواع خط را معرفی کرده‌ایم و بعد نمونه‌های خطی را نشان داده‌ایم.

در واقع در تمام دنیا، درس هنر دو کار انجام می‌دهد: اول، بالا بردن درک هنری دانش‌آموزان، و دوم، کمک به خلاقیت هنری آنان. امیدواریم با این کتاب بتوانیم این دو ویژگی را در دانش‌آموزان پرورش دهیم.

تیموری: امیدواریم. لطفاً هر کدام از مؤلفان محترم در مورد بخشی که مسئول آن بوده‌اند، توضیحاتی بدهند و برای تدریس

بهبتر آن پیشنهادهاتی به معلمان ارائه کنند.

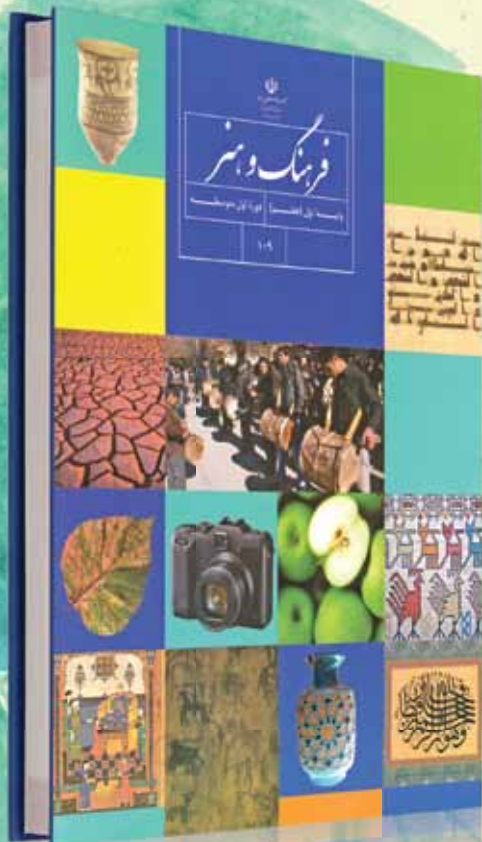
شاپوریان: در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» معمولاً هر ده سال یک بار برنامه‌ها و کتاب‌ها بازبینی و به‌روز می‌شوند. اما کتاب آموزش هنر به دلایل گوناگون سه دهه بود که تغییری نکرده بود. تفاوت این برنامه با برنامه قبلی در آموزش غیرمستقیم به جای آموزش مستقیم درس هنر است. با توجه به مطرح شدن هوش‌های چندگانه گاردنر، آموزش غیرمستقیم با رویکردهای نوین آموزش هنر هماهنگ‌تر است. هر کودکی در دو یا سه هوش توانایی‌های خیلی خوبی دارد. بنابراین اگر ما فقط یک محدوده خاص در حوزه هنر را مطرح کنیم، خیلی منطقی به نظر نمی‌رسد. از طرف دیگر، از لحاظ شیوه‌های نوین آموزش و پرورش، آموزش «چندحسی» مورد توجه است. یعنی همان قدر که اجرای نمایش یا خواندن سرود ارزش دارد، کار با وسایل و مواد گوناگون که تجربه‌های لامسه‌ای و حجم را برای بچه‌ها به همراه دارد نیز مورد توجه است. کشیدن، رنگ کردن یا خوش‌نویسی همه در کنار هم باید مطرح باشند.

مبحث دیگر آموزش نوین این است که بچه‌ها آزاد باشند و با توجه به سلیقه‌ها و علاقه‌هایشان انتخاب کنند. روش‌های آموزش مستقیم قدیمی که تقلید دانش‌آموز از یک الگوست، امروزه کاملاً مردود شده است.

بحث اصلی و اساس بخش هنرهای تجسمی زیربنای فرهنگی هنری آن است. براساس ساختار فرهنگی ایرانی، الگوهای تصویری ما در تمام طول تاریخ کاملاً دو بعدی‌اند. فقط در دوره کوتاهی تحت تأثیر حمله اسکندر مجبور به تقلید از الگوهای هنرهای روم شدیم که به محض تشکیل حکومت ایران، این الگوهای هنری به شکل اولیه بازگشتند.

در اواخر دوره صفویه ایران تحت تأثیر هنر غرب قرار می‌گیرد. ساختار فرهنگی هنری غرب سه بعدی است. ولی الگوی دو بعدی در ایران کاملاً پابرجا و استوار ماند. ایران هر ویژگی خوب فرهنگی را در تقابلات فرهنگی جذب و در خودش حل کرده و مورد استفاده قرار داده است. یعنی هنرمندان هویت فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند. از این لحاظ اصلاً هنر طراحی را به این شیوه سه بعدی ایرانی نمی‌دانیم. در هیچ جای دنیا هم برای این مقطع سنی آموزش مستقیم طراحی و نقاشی نداریم.

بنابراین دو مبحث مهم را باید یادآور شوم: ما اصلاً در این مقطع سنی آموزش طراحی و نقاشی به شیوه غربی نداریم و معتقد هستیم، همان‌طور که در کتاب‌های هنرستان برای دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای پیش‌بینی شده است، باید به‌طور تخصصی و در هنرستان آموزش داده شود. بر این اساس طراحی را به عنوان یک حوزه وسیع مطرح کرده‌ایم. از طرف دیگر، طراحی فقط این نیست که شیئی را روی میز بگذارند و بگویند بکش و سایه بزن. معلمی ممکن است در مدرسه انواع و اقسام چیدمان را با بچه‌ها کار کند و حتی از زباله‌ها، مانند بطری‌های آب و نوشابه کمک بگیرد. یا معلمی با باقی‌مانده وسایل نقاشی و بنایی و یک شلوار رنگی، در کف حیاط مدرسه یک انسان به صورت نیم برجسته طراحی کند و برای آن



شلوار رنگی سر و صورت و بلوز و کفش بگذارد.

این الگوهای خلاق که به هر شکلی چه روی سطح اجرا چه به صورت نقاشی و طراحی، حجم و حتی به صورت چیدمان قابل اجرا هستند، طراحی محسوب می‌شوند. هر نوع حرکت خلاق که بتواند طرح جدیدی بدهد، مورد پذیرش است.

البته مقصود این نیست که اگر دانش‌آموزی توانایی دارد و خیلی خوب طراحی می‌کند، آن را رد کنیم. معمولاً این دانش‌آموزان در اقلیت هستند. با برنامه قبلی هنر، اقلیت کلاس می‌توانستند خوب طراحی کنند و سایه بزنند و اکثریت کلاس غیرفعال بودند و نمی‌توانستند سیب و گلابی یا اسب را به خوبی طراحی کنند. با برنامه جدید و تنوع در موضوعات این امکان به وجود آمده است که همه دانش‌آموزان بتوانند فعالیت هنری داشته باشند.

بنابراین طراحی از آن محدوده که در واقع یک نظام طراحی سه بعدی بود، خارج شده است و اکنون با مفهوم و معنای جدید می‌تواند هر شکلی به خودش بگیرد.

تیموری: اسم این نگاه وسیع به طراحی را چه می‌توانیم بگذاریم؟ **شاپوریان:** در اثر تجربیات گوناگون در طول زمان، حوزه طراحی وسعت زیادی یافته است. برای مثال، سیر تکاملی که از طراحی در دوره رنسانس شروع می‌شود، در دوره «امپرسیونیسم» از لحاظ طبیعت‌گرایی به اوج می‌رسد. بعد از آن در اروپا هم به سمت شیوه‌های دوبعدی گرایش می‌یابد. بنابراین، هم آن‌ها و هم کشورهایمانند ما که پیشینه نظام تصویری دو بعدی را داشتیم، اکنون هم سه بعدی کار می‌کنیم و هم دو بعدی. این بستگی به هنرمند دارد که کدام نظام را انتخاب و دنبال کند.

تجرباتی که در چیدمان جدید در هنر مدرن و پست‌مدرن به وجود آمده، باعث وسعت حوزه طراحی شده است. شاید در دوره **داوینچی**، سایه روشن اثر تمام حجم را بیان می‌کرد، ولی وقتی **رامبراند** آمد و شیوه کار با تضاد زیاد را مطرح کرد، باز تعریف طراحی عوض شد. به همین دلیل است که ما می‌گوییم طراحی را نمی‌توان تعریف کرد. مفهوم آن در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. مثل هنر که نمی‌شود در یک جمله کوتاه آن را تعریف کرد. در هر دوره و نزد هر تمدنی، هنر مفهوم خاصی داشته است. تمام این مفاهیم دست به دست هم داده‌اند و حوزه‌ای وسیع در طراحی به وجود آورده‌اند. ما می‌کشیم از این گنجینه استفاده کنیم. زیربنای کار ما برای تربیت بچه‌ها در زمینه هنرهای تجسمی، آثار هنری ایران است با تأکید بر آثار دوره اسلامی. به همین دلیل بسیار آگاهانه و دقیق از تقارن و تعادل استفاده و سعی کرده‌ایم که حتی در نگاه به طبیعت هم، گرایش بچه‌ها را به آن سمت هدایت کنیم.

در ادامه، از طریق مقایسه قواعدی که در طبیعت وجود دارد و قواعدی که در هنر برقرار شده است، در کودکان درک هنری ایجاد می‌کنیم تا به هر چه نگاه می‌کنند، بتوانند قالب‌های هنری را در آن پیدا کنند و از آن برداشت کنند. بخش جالب طراحی خلاق این است که ببینیم با هر پدیده طبیعت چه طراحی‌های دیگری می‌توان انجام داد. سیب را مانند یک سیب نبیند که آن

را بکشد و بعد سایه بزند. بلکه ببیند با این سیب چه چیزهایی می‌توان طراحی کرد. حالا ممکن است مبل و میز را به شکل سیب یا جعبه تزئینی طراحی کند. پس طراحی دیگر در یک حوزه بسته محدود نیست. ما می‌خواهیم این بسته بودن را در ذهن دانش‌آموزان بشکنیم. چون هدف ما تربیت هنرمند نیست. ما فکر می‌کنیم اگر این دانش‌آموز در آینده مهندس شد، مهندسی خلاق شود. از آنچه که در اطرافش می‌بیند، به نتایج جدیدی برای کارهای تازه برسد. نمی‌خواهیم بچه‌ها در یک جا متوقف شوند. می‌خواهیم روحیه و گرایش خلاقانه در آن‌ها رشد کند. در ضمن به درک بهتری از زیبایی برسند و بدانند که خودشان هم می‌توانند تغییر دهند و طرح‌های زیبایی ایجاد کنند. این منحصر به یک فرد، یک گروه خاص یا سنی خاص نیست. بدانند که در همین سنی که هستند می‌توانند از تمام ظرفیت‌های درونی خودشان به خوبی استفاده کنند.

تیموری: از نگاه دبیر هنر این سؤال برایم مطرح است که وقتی سر کلاس می‌روم، مدلی را مقابل دانش‌آموزان می‌گذارم، آن‌ها باید این مدل را بکشند یا چیدمان متفاوتی از آن ارائه دهند. لطفاً راهنمایی کنید.

شاپوریان: طراحی از روی مدل جزو آموزش‌های تخصصی است که در دوره دانشگاه مطرح است و در این دوره انتظار آن را نداریم. بعضی از بچه‌ها این توانایی را دارند که به خوبی طراحی کنند و ما کار آن‌ها را می‌پذیریم. برای آن ۸۰ درصدی که احتمالاً نمی‌توانند یک سیب را مثل خودش بکشند و احتمالاً دچار یأس و دلزده از هنر می‌شوند، از روش‌های کشیدن یا ساده کردن تصویر استفاده می‌کنیم. شیء را به شکل فرم هندسی

برسد. یکی از آن به طرح کلاه، و یکی به طرح زیربشقابی و دیگری به طرح یک کوسن می‌رسد. انگیزه یکی است. دیگر در کلاس هنر درس نمی‌دهیم، بلکه یک سلسله آگاهی‌های هنری و قواعد را ارائه می‌کنیم و برنامه‌های آزاد هنری داریم که دانش‌آموز می‌تواند انتخاب کند. معلم نقش هدایت‌کننده دارد. هم ذوق و سلیقه بچه‌ها را نسبت به زیبایی‌های طبیعت و هنر هدایت می‌کند و هم درون آن‌ها را. کار به این شکل برای معلم‌ها سخت شده است، ولی حالت کنترلی و سخت‌گیرانه ندارد. در این شیوه کودکان خیلی خوب ارضا می‌شوند، چون با فکر خودشان ایده می‌دهند. وقتی چیزی زیبا می‌کشند یا می‌سازند، مورد تشویق معلم قرار می‌گیرند و آن دید زیبایی‌شناسی در آن‌ها شکل می‌گیرد. به همین دلیل هم احساس رضایت بیشتری می‌کنند. معلمانی که به این روش تدریس می‌کنند، جواب بهتری می‌گیرند. با این روش همه دانش‌آموزان فعال می‌شوند و کار می‌کنند.

مشکل ما با معلمان متخصص است که معتقدند در این سنین باید حتماً طراحی تدریس شود. در صورتی که ما از ۱۰ سال پیش نامه‌های متعددی از معلمان دوره راهنمایی داشتیم که برنامه درسی هنر تغییر کند و با نظام‌های آموزش‌های نوین هماهنگ شود. امیدواریم نتایج خوبی از این کتاب بگیریم. البته صد در صد به هماهنگی معلم با برنامه بستگی دارد. تنها چیزی که ما از معلمان می‌خواهیم این است که پیش‌زمینه‌های ذهنی خود را پاک کنند و این برنامه را یک سال به صورت آزمایشی به اجرا بگذارند و نتایج آن را ببینند. دوستان چون خودشان متخصص هستند، مطالب کتاب را با آنچه که در ذهن دارند، می‌سنجند و فکر می‌کنند نمی‌شود و برای بچه‌ها جواب نمی‌دهد. در صورتی که بچه‌ها از ما خلاق‌تر هستند. چون قالب‌های ذهنی آن‌ها شکل نگرفته‌اند و راحت‌تر و آزادانه‌تر ایده‌پردازی می‌کنند.

تیموری: در واقع، در این برنامه و کتاب فرهنگ و هنر خلاقیت مبنا قرار گرفته و هنر مقوله‌ای است که می‌توانیم اصول خلاقیت را در آن پیدا کنیم. حالا برای اینکه همکاران موفق شوند چه توصیه‌هایی برایشان دارید؟
شاپوریان: با طراحی خلاقانه باید به دانش‌آموزان آزادی دهیم که خلاقیت‌های خودشان را بشناسند.
تیموری: آیا آشنایی معلمان هنر با مبانی عمومی خلاقیت به تدریس بهتر ایشان کمک می‌کند؟
شاپوریان: بله در کتاب معلم دقیقاً توضیح داده شده است. متن این کتاب را با عکس‌های رنگی روی سایت می‌گذاریم. البته در کتاب معلم تصاویر به صورت سیاه و سفید چاپ شده‌اند. در این کتاب خلاقیت را این‌گونه تعریف کرده‌ایم: «چیزی جدید که مشابه نداشته باشد، به وجود آوریم» و «چه تغییری می‌توان اعمال کرد تا بهتر شود». یعنی هر گونه تغییری که از لحاظ زیبایی یا کاربرد، کار را بهتر کند، نوعی طراحی خلاق است. این دوازده ساده‌ترین تعاریف خلاقیت و مقیاسی هستند برای معلمان که تشخیص دهند دانش‌آموزان کار خلاق انجام داده‌اند یا نه.
آیت‌اللهی: این طور نیست که اصل خلاقیت است و هنر



ساده شده می‌کشیم و جزئیات را روی آن نشان می‌دهیم. بعد دانش‌آموزان به طراحی خلاق ذهن می‌پردازند. در هیچ جای دنیا این آموزش‌ها به‌طور مستقیم در این سن وجود ندارند.

آیت‌اللهی: ما دغدغه فرهنگی داریم. می‌خواهیم میراث فرهنگی و قالب‌های خودمان را به بچه‌ها بشناسانیم و هنر و هنرمندانمان را به دانش‌آموزان معرفی کنیم. در بسیاری از کشورها، کودکان را به فضای آزاد می‌برند یا در آتلیه مواد و وسایلی در اختیارشان قرار می‌دهند و از آن‌ها می‌خواهند کاری هنری خلق کنند نه می‌گویند مجسمه بساز، نه می‌گویند نقاشی بکش. حتی موضوع را مشخص نمی‌کنند. بخش‌های مهارتی در حوزه‌های تخصصی را در دانشگاه تدریس می‌کنند.

تیموری: دانش‌آموز می‌خواهد از درس هنر لذت هنری ببرد. وقتی احساس کند در طراحی خود موفق بوده است، لذت می‌برد و جلسه بعد با اشتیاق سرکلاس می‌آید. در فرایندی که شما گفتید، این لذت هنری کجا دیده شده است؟

شاپوریان: اتفاقاً ما هم همین نوع نگاه را به هنر داریم. این لذت در خود فعالیت هنری است. چون جنبه بازی گونه و لذت بخش دارد، حائز اهمیت است. هر کسی می‌تواند از طرح سیب به نتیجه‌ای

محملی برای پرورش خلاقیت باشد. بلکه خود هنر هم در این جا اصل است. منتها برنامه‌ی درسی فرهنگ و هنر دو وظیفه دارد: ابتدا باید به اهداف اولیه‌ی درس هنر و بعد به اهداف ثانویه آن برسد. هنر خود موضوعیت دارد، ولی خلاقیت هم برای ما مهم است. ما می‌خواهیم از راه هنر خلاقیت دانش‌آموزان را پرورش دهیم. شیوه‌ی تدریس هنرهای سنتی به روش مستقیم است. ما در هنرهای سنتی همان روش استاد و شاگردی را داریم، یعنی باید به مرحله‌ای از توانایی برسیم که از آن مرحله به بعد، هنرآموز خلاقیتش شکوفا شود. وقتی دانش‌آموز هنوز اصول اولیه‌ی گلیم‌بافی یا سفالگری و طراحی هندسی را نمی‌داند، چگونه می‌تواند خلاقیتش را بروز دهد؟

قاسم‌زادگان: من روش تدریس هنر در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی را تدریس می‌کنم و با معلمان هنر سروکار دارم. نظر معلمان نسبت به روش تدریس غیرمستقیم به این صورت نیست. شروع تدریس هنر با طبیعت شروعی بسیار خوب است، ولی خلاقیت زمانی جواب می‌دهد که ما کتاب را کنار می‌گذاریم و وارد تجزیه و تحلیل تصاویر طبیعت می‌شویم. تصاویر ساده می‌شوند و در طراحی‌های بعدی آنان مؤثر است. معلمان هنر مطرح می‌پرسند: کسانی که کتاب هنر را تألیف کرده‌اند، چه قدر در کلاس درس بوده‌اند؟

آیت‌اللهی: گروه درسی هنر یک شورای برنامه‌ریزی دارد که علاوه بر مؤلفان و کارشناسان، دو معلم خیره و متخصص نیز عضو آن هستند. کار مرحله به مرحله دیده می‌شود. قبل از چاپ برای اعتبار سنجی، کتاب به پایگاه کیفیت‌بخشی ارسال می‌شود. در آنجا معلمان، سرگروه‌ها و کارشناسان کتاب را می‌بینند و اظهار نظر می‌کنند. کتاب برای رفع اشکال دوباره به گروه درسی هنر برگردانده می‌شود. پس از رفع اشکال مجدداً توسط فردی خارج از گروه اعتبار سنجی می‌شود و ۳۰ تا ۴۰ معلم درباره‌ی آن اظهار نظر می‌کنند. این طور نیست که ما در اینجا جدا از بدنه اجرا برنامه‌ریزی کنیم و بعد بخواهیم معلمان آن را اجرا کنند.

شاپوریان: کسانی که کتاب‌ها را تألیف می‌کنند، مرتباً با معلمان در ارتباط هستند و از آنان بازخورد می‌گیرند. یعنی با مشکلات معلمان به خوبی آشنا هستند. ما در کتاب فرهنگ و هنر پایه‌ی هفتم به‌عنوان زمینه‌ی کار، خوب دیدن و متفاوت دیدن را آموزش داده‌ایم. شما می‌گویید طبیعت کافی نیست. اتفاقاً با این برنامه می‌تواند کافی باشد، چون ما نوع نگاه را کاملاً تغییر داده‌ایم. ما در بخش طراحی از نظم‌های بیرونی وارد می‌شویم، نظم‌های درونی را می‌بینیم و بعد بافت‌ها و لایه‌های عمیق‌تر را نگاه می‌کنیم و به‌نوعی به‌دنبال نظم و زیبایی هستیم.

قاسم‌زادگان: چه قدر به‌دنبال بالا بردن سواد بصری دانش‌آموزان هستید؟

شاپوریان: سعی بر این است که سواد بصری را از طریق طبیعت به‌وجود بیاوریم. برای مثال، در تمرینات از دانش‌آموزان می‌خواهیم با چیدن نقطه‌ها، توپ‌های رنگی، دکمه‌ها و یا... به چیدمان منظمی برسند. در واقع، به‌صورت غیرمستقیم مبانی را می‌گوییم

و زمینه‌ی آن را از طبیعت و آثار هنری می‌گیریم. چون قرار است این کار به‌صورت گسترده در کشور اجرا شود، جالب است که ببینیم چه قدر می‌توانیم در این حوزه موفق باشیم. بنابراین، بحث خوب دیدن مدنظر است. البته بستگی به نحوه‌ی برخورد معلمان و میزان امکانات دارد. در این برنامه اگر درباره‌ی گل صحبت کرده‌ایم، در کتاب معلم توضیح داده‌ایم که می‌توانند به‌جای گل از هر پدیده‌ی طبیعی که در فضای زندگی آنان زیاد است، استفاده کنند. برای مثال در خوزستان خرما از زمانی که روی درخت است تا زمان چیدن آن، ۲۴ رنگ دارد. لازم نیست که حتماً گل باشد، باید این تنوع رنگ را در طبیعت ببینند. در بعضی جاها سنگ‌های متنوع داریم. حتی ما خاک‌های رنگی خوبی در کشورمان داریم. بحث ما روی مواد و ابزارهای نقاشی یا یک ماده‌ی خاص در طبیعت نیست. ما نوعی نگاه برای «طور دیگر دیدن و برداشت کردن از طبیعت» ارائه کرده‌ایم. می‌خواهیم دانش‌آموزان آثار هنری اطراف خودشان را ببینند و سپس به‌صورت خلاق ایده‌های هنری بگیرند. امیدواریم بتوانیم این تأثیرگذاری را داشته باشیم و بتوانیم افرادی خلاق و با ذوق تربیت کنیم که هم شناخت خوبی نسبت به آثار هنری ایران و هم دید خوبی نسبت به طبیعت داشته باشند.

در دنیا برای زیبایی هر چه که می‌سازند، دست به طراحی می‌زنند. در بخش طراحی صنعتی می‌بینیم، پس از ساختن اسلحه، روی آن طراحی می‌کنند که زیبا شود و پوستر تبلیغاتی قشنگی برای این اسلحه‌ها می‌سازند. چرا بقیه‌ی چیزهایی که اطراف هستند، مثل میز، صندلی و... نباید زیبا باشند؟ ما از دوره‌های گذشته ملتی حساس به زیبایی بوده‌ایم و برای هر چیزی که با آن سروکار داشته‌ایم، طراحی زیبایی می‌کردیم. یعنی در ساخت وسایل ذوق به‌کار می‌گرفتیم. ما دوست داریم دوباره آن روحیه را در دانش‌آموزان زنده کنیم؛ به‌ویژه که این مباحث از زندگی ما در حال دور شدن هستند.

تیموری: ما از معلمان هنر که مجریان این برنامه و کتاب در کلاس‌ها هستند، می‌خواهیم که بازخورد این شیوه را در جریان عمل برای ما ارسال کنند. پیشنهاد ما این است که گروه هنر در جهت رفع کاستی‌ها و پالایش این کتاب، طرح پژوهشی تعریف کند. پرسش‌نامه‌ای خوب و استاندارد تنظیم کنیم و در پایان سال تحصیلی آن را در اختیار همکاران فرهنگی قرار دهیم. مثلاً در استان‌ها همکاران فرهنگی «انجمن معلمان هنر» دارند. این پرسش‌نامه در انجمن‌های مزبور تکمیل شود و بازخورد آن‌ها را بگیریم و ببینیم که این کتاب در نردبان آموزش کجا ایستاده است. **شاپوریان:** مشکلی که ما داریم این است که خیلی از کتاب‌ها در آموزش اجرا نمی‌شود. برای مثال کتاب طراحی تخصصی بعد از تألیف، سه سال به‌طور آزمایشی تدریس شد. بعد از سه سال پرسش‌نامه‌ای برای سرگروه‌های مناطق مختلف ایران فرستاده شد تا کم و کیف این کتاب بعد از تدریس آزمایشی مشخص شود. یکی از سرگروه‌های آزمایشی به من زنگ زد و گفت که پرسش‌نامه‌ای آمده و من شروع کرده‌ام کتاب شما را بخوانم و پاسخ دهم. من به ایشان گفتم: دوست عزیز قرار بود بعد از سه

سال اجرا شما نظر بدهید و گر نه قبل از چاپ این کتاب توسط استادان دانشگاه، کارشناسان گروه و رئیس سازمان خواننده و تأیید شده و بعد به چاپ رسیده است. من به عنوان مؤلف خیلی دلم می‌خواهد بدانم کدام قسمت کتابم اجرایی است، کدام قسمت نه و از اشکالات کارم آگاه شوم.

آیت‌اللهی: ما از تعامل با معلمان بسیار خوشحالم. معلمان از طریق پایگاه کیفیت‌بخشی به‌طور مداوم با ما در ارتباط‌اند. پرسش‌نامه‌های نیز طراحی کرده‌ایم و در سایت قرار خواهیم داد تا اشکالات و کاستی‌های کتاب مطرح شوند.

تیموری: جناب صفری اگر ممکن است دربارهٔ بخش خوش‌نویسی برای همکاران هنر توضیحاتی ارائه دهید.

صفری: از تشکیل این جلسه خوشحالم. جان کلام را خانم دکتر شاپوریان و خانم آیت‌اللهی گفتند. در این کتاب از لحاظ محتوا، حجم و تنوع تغییراتی صورت گرفته است که تأثیرات آن در سال‌های آینده ملموس خواهد بود. برای تألیف بخش خوش‌نویسی من کتاب‌های قبلی آموزش خط را دیدم. گروه درسی هنر برای تألیف این کتاب فضا را برای ما باز گذاشته بود. در تعاملی که با خانم آیت‌اللهی داشتیم، ابتدا بحث آموزش خط تحریری مطرح شد. من گفتم اگر اسم این بخش هنر خوش‌نویسی است، باید خوش‌نویسی تدریس شود و این اتفاق هم افتاد.

شاکلهٔ بخش خط این است که در درجهٔ اول مخاطب ما لزوماً علاقه‌مند به خوش‌نویسی نیست. ثانیاً بنا نیست که تمام دانش‌آموزان را به خوش‌نویس تبدیل کنیم. ما خواستیم هنر خوش‌نویسی را مطرح کنیم و روی نقاط کلیدی که بر اثر تجربه به آن‌ها رسیده‌ایم، تأکید بیشتری داشته باشیم. برای همین در کتاب مباحث نظری مطرح شده‌اند. مباحثی نیز با عنوان ابزارشناسی، سیر تحول خوش‌نویسی و پیدایش خطوط و تعاریف و کاربرد خطوط ارائه شده‌اند. ما تلاش کرده‌ایم مباحث نظری و پژوهشی را در این کتاب بیاوریم. همین‌طور تلاش کرده‌ایم خطوط را معرفی کنیم؛ البته در حد موجز. همچنین تاریخچهٔ پیدایش خط و تعریف فنی آن را شرح داده‌ایم. می‌خواهیم بچه‌ها در آموزش هنر با مقولهٔ خوش‌نویسی آشنا شوند تا بتوانند در ادامهٔ مسیر به انتخاب صحیح دست بزنند. در بخش خوش‌نویسی کتاب، از کامل‌ترین تعریف اصطلاحات نسبت به تعاریف موجود استفاده شده است. ما موظف هستیم، کامل‌ترین تعاریف را در اختیار دانش‌آموزان بگذاریم. نمی‌توانیم تعریفی ارائه دهیم که امروز خوب باشد و چهار سال دیگر دانش‌آموز دچار تناقض شود. دانش‌آموزان ما باید از ابتدا نکات کلیدی را یاد بگیرند.

ما خواستیم، این کتاب در عین حال که کتاب آموزش هنر در دورهٔ اول متوسطه باشد، منبع قابل ارجاعی نیز در حد خودش باشد و هر کس در هر مرحله‌ای بتواند به آن استناد کند. فعلاً در این کتاب ما فقط چهار ابزار را معرفی و فقط پنجره‌ها را باز کرده‌ایم. معلم می‌تواند آن را بیشتر گسترش دهد و موضوع را با توجه به علاقهٔ دانش‌آموز دنبال کند.

مباحث نظری با یک سال کار به ثمر نمی‌رسند. قول گرفته‌ایم که سه‌گانهٔ این کتاب در اختیار ما باشد. کتاب حاضر یک جزء از آن سه‌گانه است. تلاش می‌کنیم آن را به جایی برسانیم

که تأثیری ملموس داشته باشد. ما خط شکسته تحریری با پیشینه‌های طولانی داریم که روی آن کار زیادی شده است. آنچه که باید دنبال کنیم، خط تحریری است. روی الفاظ هم تأکید کرده‌ایم و همیشه به‌جای خط ریز اصطلاح خط تحریری را به کار برده‌ایم. قبلاً گفته‌اند آموزش خط ریز، ولی نستعلیق خط ریز را تدریس کرده‌اند. ما نمی‌گوییم که از ریزنویسی و خط تحریری به دنبال سرعت و زیبایی هستیم و نستعلیق سرعت ندارد، پس این خط مطلوب ما نیست. شکسته هم مطلوب نیست، چرا که خواندن آن برای افراد سخت است. ما در بحث نظری به این موارد توجه کرده‌ایم.

تیموری: لطفاً نکاتی را که معلمان برای تدریس بهتر می‌توانند لحاظ کنند، توضیح دهید.

صفری: قبول داریم که در خوش‌نویسی «نقطه» مبناست، اما از ابتدا نقطه را وارد بحث نکرده‌ایم و با توجه به تأکید معلمان روی نقطه، به بحث اضافه شد. تلاش کردیم در مرحلهٔ اول دید را تقویت کنیم برای همین به سراغ نقطه و آموزش خط نرفتیم. اما در کتاب معلم برای آن‌ها گفتیم که نقطه‌گذاری و خط‌کشی کنند و حتی از کاغذ پوستی هم استفاده کنند.

رویکرد دیگری که در این کتاب داشتیم، پررنگ کردن نقش معلم است. این کتاب نیاز دانش‌آموزان را به معلم بیشتر می‌کند. وابستگی دانش‌آموز به معلم باعث نظم حضور دانش‌آموز در کلاس می‌شود.

تیموری: یعنی در اینجا معلم الگوی هنری محسوب می‌شود؟
صفری: بله، این موضوع باعث می‌شود که هم نقش معلم برای دانش‌آموز تقویت شود. و هم در درازمدت برای پرورش معلمان متخصص در حوزهٔ هنر تلاش بیشتری کنیم. در سال‌های گذشته، مدرک خوش‌نویسی در ضمن خدمت لحاظ می‌شد، ولی هفت هشت سالی است که این برنامه حذف شده است. اگر دوباره این کار احیا شود، در اشاعهٔ هنر خط بسیار مؤثر خواهد بود. در این کتاب هم‌زمان خط نستعلیق و تحریری آموزش داده شده‌اند، اما معلمان با توجه به امکانات و شرایطشان آموزش خط را انتخاب می‌کنند.

تیموری: آقای دکتر امینی، بخش پنجم کتاب فرهنگ و هنر به هنرهای نمایشی اختصاص یافته که تألیف آن بر عهدهٔ شما بوده است. برای اولین بار درس هنرهای نمایشی در آموزش هنر مطرح شده است. در مجلهٔ «رشد آموزش هنر» تأثیر هنر نمایش بر کلاس و دانش‌آموزان را همواره مطرح کرده‌ایم. لطفاً از این ابتکار برایمان بگویید و برای معلمان که طالب آشنایی بیشتری با موضوع هستند، توصیه‌هایی ارائه دهید.

امینی: برای اولین بار در تاریخ کتاب‌های هنر، چه قبل و چه بعد از انقلاب، به مقولهٔ پایه‌ای و اساسی هنر نمایشی توجه شده است. هنرهای نمایشی برخلاف دیگر هنرها هیچ وسیلهٔ ظاهری نمی‌خواهند، بلکه بیشتر به خود فرد بازمی‌گردند. به تعبیری تمام آدم‌ها در زندگی نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کنند. پس این هنر با ما هست. مهم این است که ما چگونه آن را هدایت کنیم و به چه سمت و سویی برویم. روش ایفای نقش یکی از روش‌های تدریس است که متأسفانه تقریباً در مدارس فراموش شده است.



پیرامون خود بپردازند و باز هم بیشتر بحث خلاقیت مطرح شده است. همان طور که ما در بخش هنرهای تجسمی نمی‌خواهیم الگو بدهیم، اینجا هم الگو نمی‌دهیم.

امینی: بله، نکته‌ی درستی است. تلاش ما در این چند درس معطوف به آن است که بچه‌ها عناصر نمایش را، چه گفت‌وگو، چه شخصیت و چه قصه، از اطراف خودشان پیدا کنند. به معلمان گوشزد کرده‌ایم، نمایش‌هایی می‌توانند با مخاطبان ارتباط برقرار کنند که برخاسته از زندگی آن‌ها باشند. در الگوی نوشتاری داشتیم: آغاز، درگیری، حادثه و پایان. برای این دوره‌ی تحصیلی، به جای «درگیری» نوشتیم «کشمکش» و بعد توضیح دادیم که در بُعد تربیتی مدام به سمت درگیر کردن دانش‌آموزان نرویم. اما به آن‌ها یاد دادیم و گفتیم درام از زمانی آغاز می‌شود که کسی اراده و دیگری در برابر این اراده مقاومت می‌کند یا تمایلی به انجام آن ندارد. خیلی از مفاهیم خیر و شر را می‌شود توسط همین الگو بازسازی کرد.

توصیه‌ی آخر اینکه در هر استانی انجمن نمایشی داریم و یکی از جاهایی که معلمان خودشان می‌توانند بروند و ببینند و حتی عضو شوند، همین انجمن‌هاست. حتی اگر صلاح دیدند، می‌توانند دانش‌آموزان را تشویق کنند که به این انجمن‌ها بروند. **تیموری:** در دروس تربیت معلم دوره‌ی فوق‌دیپلم، درس هنرهای نمایشی داشتیم ولی کم‌رنگ بود. آیا زیربنای دانشی و فنی آن‌ها همکاران فرهنگی دارند به رغم اینکه هنر نمایش هنری ملموس و عین زندگی است؟

آیت‌اللهی: در بیشتر استان‌های ما معلم هنر به اندازه‌ی کافی نداریم و معلمان پرورشی و امور تربیتی سابق، هنر را تدریس می‌کنند. یکی از کارهای آن‌ها آموزش سرود و نمایش است. هر معلم هنر در یک رشته‌ی هنری مثل نمایش و یا نقاشی یا طراحی و... متخصص است **قاسم‌زادگان:** آیا در نگاه بلندمدت در کتاب برای جشنواره‌ها و کارهای گروهی نکاتی در نظر گرفته‌اید؟

امینی: بله، صددرصد قسمت دوم کتاب به «بازیگری و کارگردانی» اختصاص دارد. به ترتیب، بنیان‌های نمایش، سپس بازیگری به معنای تخصصی آن و در ادامه کارگردانی را مطرح می‌کنیم.

تیموری: از اعضای گروه مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه‌ی هفتم که در این گفت‌وگو مشارکت فعال داشتند، بسیار سپاس‌گزاریم.

بعد از مشورت با شورا، روشی برای آموزش پیشنهاد کردیم: یکی حوزه‌ی نقش و بازیگری، و دیگری پایه‌ی بنیانی نمایش که دیالوگ بین افراد و اساساً مادر هنرها هم محسوب می‌شود. در تألیف کوشیده‌ام مباحث ملموس، بنیادی و پایه‌ای را مطرح کنم. در این دوره‌ی تحصیلی، بحث «گفت‌وگو» یا دیالوگ را به گونه‌ای مطرح کرده‌ایم که هم بازیگری باشد، و هم نقش‌پذیری و هم ادبیات نمایشی. به طوری که معلمان هم‌زمان با آموزش هنرهای نمایشی، شاخه‌های متفاوت هنرهای نمایشی را به بچه‌ها یادآوری کنند.

توصیه‌ی ما به معلمان استفاده از ساده‌ترین و کم‌خرج‌ترین راه، یعنی رادیو نمایش است. رادیو نمایش به صورت شبانه‌روزی با این حیطه سروکار دارد. معلم می‌تواند بگوید دانش‌آموزانی که می‌خواهند این مباحث را عملی یاد بگیرند، در فلان ساعت رادیو نمایش را گوش بدهند. این نکته و الگوی پیشنهادی تجربه‌ی چهارده پانزده ساله‌ای است که اولین بار در این کتاب چاپ شده است.

تیموری: چه توصیه‌ای به همکاران ما دارید برای آنکه دانش‌آموزان را با تئاتر مأنوس کنند؟

امینی: اولین نکته ذکر اهمیت یادگیری این درس برای دانش‌آموزان است. در واقع در همان جلسه‌ی اول باید اشتراکات و افتراقات بین دنیای واقعیت که ما در آن زندگی می‌کنیم و دنیای نمایش که در این کتاب توضیح داده شده را به دانش‌آموزان بگویند. آنچه در این مسیر به معلم کمک می‌کند، خواندن چند نمایش‌نامه‌ی مهم تاریخ دنیا و ایران است.

دیدن نمایش حتی اگر ضعیف هم باشد، بسیار خوب است؛ چون ارکان آن را یاد می‌گیرند. از نمایش‌نامه‌های زنده‌یاد **رادی** مثل «پلکان»، «آهسته با گل‌سرخ» از دکتر **کرمانی**، از آثار **محمد چرم‌شیر** و دیگران می‌توان استفاده کرد.

«انتشارات مدرسه» هم یک سلسله نمایش‌نامه چاپ کرده است. شاید از نظر دراماتیک قدرتمند نباشند، اما زمینه‌ها و پایه‌های نمایش را نشان می‌دهند. **حسن دولت‌آبادی** کتاب «نمایش‌نامه‌های آسان» را نوشته است که در کتابخانه‌های سراسر کشور موجود است.

آیت‌اللهی: بخش هنرهای نمایشی آمیختگی خاصی با زندگی روزمره دانش‌آموزان دارد. در این کتاب مرتب به دانش‌آموزان تأکید شده است که در زندگی روزمره به مشاهده محیط